

دستور ویژه رئیس جمهور برای ادامه یارانه و کالابرج



با پایان ماه اردیبهشت و باقی ماندن حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان از منابع ۲ مرحله‌ای یارانه، پرداخت مرحله‌ی جدید به ۵۳هک پایین درآمدی در هیأت دولت مطرح شد. به گزارش ایلنا، دیروز وزیر کار گفت با دستور مسعود پزشکیان، بررسی منابع در سازمان برنامه‌بودجه آغاز شده تا امکان پرداخت مستمر به گروه‌های بیشتری فراهم شود. این دستور رئیس جمهور در حالی است که هنوز پرداخت یارانه خرداد قطعی نشده و دولت در تلاش برای تأمین منابع لازم است.

■ ■ ■

نامه میدری خطاب به دستگاه‌های اجرایی درباره بازنشستگان؛ دستگاه‌ها به ارائه خدمات رفاهی به بازنشستگان ملزم شدند

با دستور احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دستگاه‌های اجرایی به ارائه خدمات رفاهی به بازنشستگان هم‌سطح با شاغلان بر اساس مصوبه دولت موظف شدند. به گزارش ایلنا، در پی ابلاغ قانون بودجه ۱۴۰۴، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی طی نامه‌ی رسمی به تمامی دستگاه‌های اجرایی، خواستار اجرای کامل قانون بودجه و ارائه خدمات و امکانات رفاهی به بازنشستگان و وظیفه‌بگیران هم‌تراز با شاغلان همان دستگاه شد. لازم به ذکر است نامه مذکور به دنبال پیشنهاد مکتوب حجت میرزایی، مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری، مبنی بر ارائه امکانات و خدمات رفاهی دستگاه‌های اجرایی به بازنشستگان و موظفین تهیه شده است.

■ ■ ■

تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف

صبح دیروز، بازنشستگان مخابرات ایران در اعتراض به بی توجهی چند ساله‌ی مخابرات به مطالبات‌شان تجمع کردند. به گزارش خبرنگار ایلنا، بازنشستگان به بی توجهی ستاد اجرایی، سهامداران و مالکان شرکت مخابرات در رابطه با احقاق حقوق و اصلاح بیمه تکمیلی، اجرای کامل آئین نامه ۲۴/۸۹ و پروژرسانی خواربار و رفاهیات فریز شده معترض هستند. این تجمعات در استان‌های مختلف از جمله آذربایجان شرقی، همدان، کرمانشاه، کردستان، گیلان، ایلام و خوزستان بر گزار شد.

■ ■ ■

مرگ یک کارگر چاه کن ۵۳ساله بر اثر برق گرفتگی

یک کارگر مقنی حدود ۵۳ ساله در مشهد حین حفاری یک کانال به دلیل اتصالی سیم برق دچار برق گرفتگی شده و جان خود را از دست داد. به گزارش ایلنا، به گفته آتشباد دوم حسین صالح، معاون عملیات سازمان آتش نشانی مشهد، امدادگران پس از بیرون کشیدن متوفی از داخل کانالی به عمق تقریبی یک متر که از ناحیه پا گرفتار شده بود بی بردن که وی به دلیل برق گرفتگی در دم جان خود را از دست داده است.

■ ■ ■

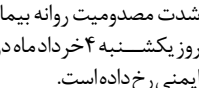
بیکاری ناگهانی ۱۱ کارگر ترانسفورماتورسازی کوشکن در آستانه بازنشستگی

دبیر اجرایی خانه کارگر زنجان از بیکاری ۱۱ کارگر قراردادی شرکت ترانسفورماتورسازی کوشکن در آستانه بازنشستگی خبر داد. اصغر نجاری، گفت: این‌س کارگران که هر یک بین ۱۸ تا ۱۹ سال سابقه فعالیت در مشاغل سخت و زیان آور دارند، در آستانه بازنشستگی با تصمیم کارفرما و به بهانه «عدم نیاز» اخراج شده‌اند. نجاری ادامه داد: برخی کارفرمایان برای فرار از پرداخت چهار درصد سهم بیمه مشاغل سخت و زیان آور، در سال‌های پایانی خدمت کارگران اقدام به اخراج آن‌ها می کنند دبیر اجرایی خانه کارگر زنجان همچنین یادآور شد هر یک از این کارگران بیکار شده به‌طور میانگین مسئولیت تأمین معاش پنج نفر را برعهده داشته‌اند و بیکاری آن‌ها مشکلات بسیار برای خانواده‌ها و به‌وجود می آورد.

■ ■ ■

مصدومیت ۳ کارگر بر اثر ریزش آوار در یک ساختمان قدیمی

در اثر تخریب یک ساختمان مسکونی دو طبقه قدیمی در حوالی خیابان ۳۰ متری جی تهران، ۳ کارگر ساختمانی تبعه افغانستان به دلیل شدت مصدومیت روانه بیمارستان شدند. این حادثه عصر روز یکشنبه ۴ خرداد ماه در نتیجه رعایت نکردن اصول ایمنی رخ داده است.



با ایلنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

دستفروش معلول: شهرداری همه چیزم را برده و من را خانه‌نشین کرده

برچیدن بساط زندگی حداقلی دستفروشان



داریسی را شهرداری در یک چشم‌به هم‌زدنی جمع کرده است. بازار جمع کردن بساط دستفروشان در شهرهای مختلف گرم است! شهرداری به اسم مساماندنی و برقراری نظم، نان آن‌ها را آجر می کند و گاهی جوری بساط زندگی بساط کنندگان را به هم می‌زند که سرپا شدن دوباره‌شان کار حضرت قیل است! آنچه در بازار ماهی‌فروشان مشهد اتفاق افتاده، مشتئ است نمونه‌ی خروار از بیچارگی و درماندگی افسردی که بساط کردن در بازار و خیابان، تنها راه گذران حداقلی زندگی‌شان است. محمد یوسفی، دچار معلولیت شدید و تحت حمایت بهزیستی است. حمایتی نیم‌بند و بسیار مختصر که حتی گذاشتن عنوان حمایت بر آن مختصر پرداختی ماهانه نیز خجالت‌آور است.

محمد در ماه کمتر از دو میلیون تومان از بهزیستی می‌گیرد و چون با این مبلغ ناچیز نمی‌تواند زندگی کند، مجبور به دستفروشی شده است. او به سختی صحبت می‌کند و همان ابتدای کار با

زهر معرفت

استرس، خبر جمع شدن بساطش را می‌دهد و می‌گوید: «شهرداری همه چیزم را برده و من را خانه‌نشین کرده». بار او وسایل پلاستیکی بوده که آن‌ها را با جـِک یکی از کسبه‌ی خیر گرفته. آنطور که محمد می‌گوید برایش چکی در حدود ۱۸ میلیون تومان نوشته‌اند و او با ضمانت آن جک، وسایل پلاستیکی

خریده و بساط کرده و هر ماه هم از درآمد ناچیز خود، مبلغی به مغازه‌دار بابت تسویه جک پرداخته. درآمد او از دستفروشی حدود ۲ تا ۳ میلیون تومان است و با پولی که از بهزیستی به محمد می‌دهند، درآمد ماهانه‌اش حتی به ۵ میلیون تومان هم نمی‌رسد!

جمع کردن بساط محمد، یعنی قطع کردن همین درآمد بی‌اندازه ناچیز و به معنای واقعی کلمه، یعنی آجر کردن نان یک زحمتکش؛ یعنی ناچیز کردن تلاش‌های سخت او برای به دست آوردن یک لقمه‌نان بسیار حداقلی و ناتوان کردن یک فرد دچار معلولیت و نیازمند برای ادامه‌ی زندگی.

محمد که معلولیت جسمی و حرکتی دارد، حتی توان پرداخت هزینه‌های درمان را هم ندارد. او چند وقتی است که در گیر عفونت و پاهایش است اما با درآمد ناچیز ماهانه‌اش نمی‌تواند این عفونت را درمان کند. با همان زبانی که سخت فهمیده می‌شود، می‌گوید: «یک روز افتادم و پاهایم زخم شد و بعد هم عفونت

رئیس اتحادیه کارگران صنعت خودروسازی ایران گفت: بانک رفاه کارگران باید ذیل سازمان تأمین اجتماعی و تحت مالکیت صد درصدی جامعه کارگری باقی بماند. مجتبی حاجی‌زاده، در گفتگو با خبرنگار «ایلنا» با ایزار زنگرانی از تصمیم و گذاری بانک رفاه کارگران گفت: بانک رفاه کارگران نه بیت‌المال است، نه ملک دولت؛ این بانک حاصل سال‌ها اندوخته، رنج و زحمت میلیون‌ها کارگر، بازنشسته و مستمری‌بگیر کشور است. بزرگ‌ترین سهام‌دار آن سازمان تأمین اجتماعی است و این یعنی صاحبان واقعی بانک همان‌هایی هستند که چرخ اقتصاد کشور را با دستان پینه‌بسته خود می‌گردانند.

این فعال کارگری گفت: دولت باید بداند که جامعه کارگری دیگر فریب وعده‌ها و شعارها را نمی‌خورد و به هیچ بهانه‌ای حاضر به واگذاری بانک رفاه نیست. اگر به بهانه‌ی مدیریت و نظارت بخواهند راه‌نقوذ و تصرف بر این دارایی مسلم را هموار کنند، باید منتظر پاسخ قاطع ما باشد.

وی تأکید کرد: اگر قرار است تأمین اجتماعی فقط یک سهام‌دار اسمی باشد و همه

و تولیدات خود را کاهش داده است در عین حال شورای رقابت اجازه افزایش قیمت

محصولات آن را صادر نمی‌کند و همین موضوع باعث زیان انباشته شده و بهانه‌ای برای

تعديل نبرو شده است.

فرماندار شهرستان بـم در این نشست بر لزوم حمایت از کارگران و درک شرایط شرکت‌ها تأکید کرد و گفت: تصمیماتی که امروز گرفته می‌شود، باید در راستای حمایت از کارگران و توجه به شرایط شرکت‌ها باشد. بنابر این تمام تلاشمان در جلسه این است تا شماری از کارگران بیکار شده در دیگر شرکت‌ها به کارگیری شوند و مابقی از مقرری بیمه بیکاری استفاده کنند.

بیمه بیکاری با بیان اینکه شرکت‌ها باید راهکارهای دیگری را برای حل مشکلات وحدت عیدی بیاورند، تصریح کرد: در صورت اجتناب‌ناپذیر بودن تعدیل نیرو، باید قوانین و مقررات اداره کار و قوانین جمهوری اسلامی در این زمینه رعایت شود.

کرد. همان زمان بیمارستان بستری شدم که هزینه‌ی بیمارستان را یکی از کسبه داد و قرار شد ماهانه مبلغی به صورت قسطی به او پرداخت کنیم.» این عفونت البته هنوز به طور کامل درمان نشده است. هزینه‌ی آمپول‌هایی که محمد باید برای درمان عفونت بزند بالاست و بیمه، این هزینه‌ها را پوشش نمی‌دهد.

سختی زندگی محمد یوسفی، دستفروش بازار ماهی‌فروشان مشهد، را خیلی‌ها تجربه کرده‌اند. آن‌ها از سـر بیکاری و فقر و در یک کلام، از سر استیصال به دستفروشی افتاده‌اند. جمع کردن بساط دستفروشی آن‌ها به پنهان‌نظم و قانون، آن هم در شرایطی که برقراری نظم و اجرای قانون در خیلی از امور و موضوعات مملکت امری دست‌نیافتنی است، مصداقی بارز

رفتاری ظالمانه است. قانون برای محمد تنها در خیابان و به وقت پهن کردن بساط دستفروشی‌اش اجرا می‌شود و مهم‌ترین قانونی که باید برای محمد و امثال او اجرا شود به دست فراموشی سپرده شده است. باید از کسانی که نگران اجرای قانون هستند پرسید که چرا قانون حمایت از حقوق معلولان و ماده‌ی ۲۷ آن، که دولت را مکلف به پرداخت کمک هزینه معیشت افراد دچار معلولیت بسیار شدید و یا شدیداً فاقد شغل و درآمد به میزان حداقل دستمزد سالانه کرده، هیچ زمانی اجرا نشده است؟! چرا به محمد که یک معلول جسمی و حرکتی است، کمک هزینه‌ای معادل حداقل حقوق، که او را از دستفروشی بی‌نیاز کند و پرداخت نمی‌شود و به جای حل مسئله ی او و هم‌دیفانش، صورت مسئله را پاک می‌کنند؟

افراد دچار معلولیت، چند سالی است که بزرگ‌ترین مطالبه‌شان اجرای قانون حمایتی معلولان است و برای آن بارها به خیابان آمده‌اند اما گویی تصمیم‌گیران هیچ تمایلی به اجرای این قبیل قوانین ندارند. آن‌ها که به اسم قانون، بساط محمد

خالی‌هست؛ آن‌ها که راهی برای اشتغال رسمی ندارند و یا درآدمشان از کار، کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد، از سـر اجبار به چنین کاری روی آورده‌اند. در این شرایط بد اقتصادی، دستفروشی حتی راه کسب درآمد بسیاری از جوانان تحصیل کرده است؛ کافی است یکبار خیابان انقلاب را از بالا تا پایین طی کنیم یا با دستفروشان مترو صحبت کنیم تا متوجه حضور تعداد بی‌شمار جوان تحصیلکرده از سر اجبار در این شغلی که کاذب می‌خوانند، بشویم. بر خورد فقیری با این پدیده، رفتارهای توهین‌آمیز با دستفروشان و جنبه زدن بر بساط بی‌بساط آن‌ها، ناامنی مضاعف مالی و روانی برای این قربانیان اقتصادی کشور ایجاد می‌کند.

بر خورد فقیری با پدیده دستفروشی، رفتارهای توهین آمیز با دستفروشان و جنبه زدن بر بساط بی بساط آن‌ها، ناامنی مضاعف مالی و روانی برای این قربانیان اقتصادی کشور ایجاد می‌کند

از کسانی که در مواجهه با پدیده دستفروشی، حتی اگر دستفروش معلول باشد، نگران اجرای قانون هستند باید پرسید که چرا قانون حمایت از حقوق معلولان و ماده‌ی ۲۷ آن، که دولت را مکلف به پرداخت کمک هزینه معیشت افراد دچار معلولیت بسیار شد و یا شدیداً فاقد شغل و درآمد به میزان حداقل دستمزد سالانه کرده، هیچ زمانی اجرا نشده است؟!

را جمع کرده‌اند، قانون را گزینشی و در راستای اهداف خود اجرا می‌کنند و کاری به افشار ضعیف جامعه و قوانینی که برای آن‌ها نوشته شده ندارند. دستفروشی نتیجه‌ی مسلم فقر، بیکاری و شرایط بسیار بد اقتصادی است. آن‌ها که در مترو و خیابان و هر جا که عابری گذر کند بساط می‌کنند، برای تأمین هزینه‌ی یک زندگی حداقلی ناچار به این کار هستند. بساط محمد را دو بار برده‌اند که هر بار، نه فقط یک بار چند میلیونایی لاستیک، که کل زندگی یک فرد معلول نیازمند و بخش مهمی از درآمد ماهانه‌ی او رفته است. محمد نه بیمه‌ی درست و درمانی برای پیگیری بیماری‌های جسمانی‌اش دارد و نه درآمد مناسبی برای او دستفروشی تنها راه است و این تنها راه راهم که مسدود می‌کنند، نه فقط بار مالی که بار روانی سنگینی بر تراحمیل می‌شود. دست‌فروشی حالا منبع کسب درآمد خیلی‌هست؛ آن‌ها که راهی برای اشتغال رسمی ندارند و یا درآدمشان از کار، کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد، از سـر اجبار به چنین کاری روی آورده‌اند. در این شرایط بد اقتصادی، دستفروشی حتی راه کسب درآمد بسیاری از جوانان تحصیل کرده است؛ کافی است یکبار خیابان انقلاب را از بالا تا پایین طی کنیم یا با دستفروشان مترو صحبت کنیم تا متوجه حضور تعداد بی‌شمار جوان تحصیلکرده از سر اجبار در این شغلی که کاذب می‌خوانند، بشویم. بر خورد فقیری با این پدیده، رفتارهای توهین‌آمیز با دستفروشان و جنبه زدن بر بساط بی‌بساط آن‌ها، ناامنی مضاعف مالی و روانی برای این قربانیان اقتصادی کشور ایجاد می‌کند.

تصمیم‌گیری‌ها از نهاد‌های دولتی دیکته شود، چه تفاوتی میان این بانک و سایر نهادها و بانک‌های دولتی باقی می‌ماند؟

حاجی‌زاده گفت: در صورت تداوم روند مداخله‌گراییانه و مصادره‌گونه دولت، ما نیز بر نامه‌ی خودمان را بر این مقابله با چنین عملکردی داریم. اگر کارگران و بازنشستگان از تدبیر دولت ناامید شوند و اقدام به خروج سپرده‌ها و دارایی‌های خود از بانک رفاه کارگران کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟!

رئیس اتحادیه کارگران صنعت خودروسازی ایران گفت: هیچ بانکی نمی‌تواند بدون پشتوانه مردمی و اعتماد صاحبان سرمایه، دوام بیاورد. اگر دولت به جای بازگرداندن استقلال بانک به سازمان تأمین اجتماعی، بخوهد با ادبیات دوگانه، این نهاد اقتصادی را به آغوش مدیریت دولتی بکشانند، نتایج ناگوار خواهد داشت.

وی تأکید کرد: بانک رفاه کارگران باید در کنار سازمان تأمین اجتماعی و تحت مالکیت صد درصدی جامعه کارگری باقی بماند. هر گونه تلاش برای تغییر ساختار مالکیت و مدیریت این بانک به سود دولت، خیانت به اعتماد عمومی است.

حاجی‌زاده تأکید کرد: اگر امروز صدای هشدار شنیده نشود، فرد صادی خروج سپرده‌ها و افول سهام این بانک شنیده خواهد شد. دولت یا باید استقلال بانک را به رسمیت بشناسد و آن را به دستان جامعه هدف باز گرداند. باید به مسئولان یادآوری کنیم که بانک رفاه کارگران، سرمایه‌ی جمعی کارگران است، نه ابزار جبران کسری بودجه‌ی دولت‌ها.

خوشبختانه، هم‌استاندار مازندران و هم دیوان محاسبات به ماجرا ورود کردند و فعلاً جلوی این کار را گرفتند اما ظاهراً واگذاری کاملاً منتفی نشده و مدیران کارخانه و شهرداری همچنان به دنبال واگذاری آن هستند.

نساجی قائمشهر ۲۱۷ کارگر دارد که به گفته رئیس شورای اسلامی کار این کارخانه، همه این کارگران نگران آینده خود هستند. نمی‌خواهیم روزی نشانی از نساجی قائمشهر باقی نماند. محمدعلی تبار با بیان اینکه «قائمشهر زمانی ست که کارخانه نساجی بزرگ داشت که یکی از آن‌ها در اثر سیاست‌های نادرست تولیدی ندارد» ادامه داد: ما نگرانیم که کارخانه‌ی ما هم به همین سرنوشت تلخ دچار شود، با واگذاری به خاک سیاه بنشیند و آینده زندگی کارگران نابود شود.

رئیس شورای اسلامی کار کارخانه نساجی قائمشهر در پایان گفت: خواسته ما این است که واگذاری کاملاً منتفی شود اما اگر اصرار بر فروش دارند، اول دولت دست به نوسازی بزند، قیمت گذاری در دست انجام شود و به اهش واگذار کنند، نه اینکه شهرداری، کارخانه با ۹۰ سال قدمت را به یکی از پیمانکاران خود بدهد، به فردی که حتی یک روز هم سابقه کار در صنعت نساجی ندارد!

و تولیدات خود را کاهش داده است در عین حال شورای رقابت اجازه افزایش قیمت

محصولات آن را صادر نمی‌کند و همین موضوع باعث زیان انباشته شده و بهانه‌ای برای

تعديل نبرو شده است.

فرماندار شهرستان بـم در این نشست بر لزوم حمایت از کارگران و درک شرایط

شرکت‌ها تأکید کرد و گفت: تصمیماتی که امروز گرفته می‌شود، باید در راستای حمایت از کارگران و توجه به شرایط شرکت‌ها باشد. بنابر این تمام تلاشمان در جلسه این است تا شماری از کارگران بیکار شده در دیگر شرکت‌ها به کارگیری شوند و مابقی از مقرری بیمه بیکاری استفاده کنند.

بیمه بیکاری با بیان اینکه شرکت‌ها باید راهکارهای دیگری را برای حل مشکلات خود بررسی کنند، تصریح کرد: در صورت اجتناب‌ناپذیر بودن تعدیل نیرو، باید قوانین و مقررات اداره کار و قوانین جمهوری اسلامی در این زمینه رعایت شود.

و تولیدات خود را کاهش داده است در عین حال شورای رقابت اجازه افزایش قیمت

محصولات آن را صادر نمی‌کند و همین موضوع باعث زیان انباشته شده و بهانه‌ای برای

تعديل نبرو شده است.

فرماندار شهرستان بـم در این نشست بر لزوم حمایت از کارگران و درک شرایط

شرکت‌ها تأکید کرد و گفت: تصمیماتی که امروز گرفته می‌شود، باید در راستای حمایت از کارگران و توجه به شرایط شرکت‌ها باشد. بنابر این تمام تلاشمان در جلسه این است تا شماری از کارگران بیکار شده در دیگر شرکت‌ها به کارگیری شوند و مابقی از مقرری

بیمه بیکاری با بیان اینکه شرکت‌ها باید راهکارهای دیگری را برای حل مشکلات

خود بررسی کنند، تصریح کرد: در صورت اجتناب‌ناپذیر بودن تعدیل نیرو، باید قوانین و مقررات اداره کار و قوانین جمهوری اسلامی در این زمینه رعایت شود.